آرزوی ۸ ساله هفت‌نگاه:

هر خانه ایرانی یک اثر هنری

آزاده جعفریان

هفت‌نگاه با هدف فرهنگ‌سازی خرید آثار هنری میان مردم و رونق افزایی به جریان اقتصاد هنر شکل گرفت؛ از همین‌رو عنوان «فروش سال هنرهای تجسمی» را برای خویش برگزیده و با شعار «هر خانه ایرانی، یک اثر هنری» تلاش کرده‌است این گونه هنری را از ماهیت نخبه‌گرایی‌اش به متن جامعه آورد؛ اتفاقا پس‌اندازهای کوچک به هفت‌نگاه آمدند و با خرید اولین اثر، تحت تاثیر انرژی مثبت آن قرار گرفتند و رفته‌رفته ولو با خرید سالانه یکی، دو اثر، همراه با این رویداد روندی آهسته اما پیوسته به سوی مجموعه‌داری طی کردند.

هفت‌نگاه سال ۸۵ که خرید آثار هنری ایرانیان در حراجی‌های بین‌المللی مانند کریستیز، ساتبیز و بونهامز در منطقه خاورمیانه جهش و رونقی خارق‌العاده یافت شکل گرفت و بالطبع بازتاب این موفقیت بین‌المللی و رکوردسازی‌های بزرگ‌تری چون تناولی، احمایی، زندمردی و... توانست علاقه‌مندی‌ها به خرید آثار هنری در داخل را دو چندان کند؛ با گذشت زمان و تثبیت روند فروش هنرمندان‌مان در منطقه و حتی مناطقی از اروپا و آمریکا، تقویت بازار داخلی هنر به‌عنوان پشتوانه بازار بین‌الملل هدف برگزیدن گالری‌ها و نیز هفت‌نگاه شد تا این مهم در جامعه ایرانی نهادینه شود.

در همین راستا، در همه این سال‌ها هفت‌نگاه برای تشویق هر چه بیشتر و در برگیری قشرهای بزرگتری از مردم به خرید اثر هنری از رقم‌های بسیار پایین تا ارقام بالا، کار را به می‌کند؛ ارایه آثار با کیفیت‌های متنوع و سبک‌های متعدد هنری در واقع نوعی پاسخگویی به نیازهای مردم و جلب نظر سلیقه طیف‌های وسیع‌تر مخاطبان است زیرا هفت‌نگاهی‌ها می‌پندارند هر کس یک بار یک اثر هنری بخرد، احتمال این که به این امر عادت کند و تا آخر عمر نتواند آن را ترک کند بسیار است؛ و این یعنی تسری فرهنگ خرید اثر هنری در میان خانواده‌های ایرانی. لذا تعجب نکنید اگر شنیدید فروش آثار به صورت‌های چک یا اقساط طولانی مدت از راهکارهای اعضای تشکیل دهنده هفت‌نگاه است که البته شاید در قالب این رویداد کمتر رخ دهد اما در هر یک از ۷ گالری تشکیل‌دهنده هفت‌نگاه به‌طور معمول انجام می‌شود.

هفت‌نگاه با اتخاذ چنین سیاست‌گذاری توانسته است به یک برند موفق و تاثیرگذار با محوریت فروش در جامعه تجسمی ایران بدل شود و حتی توجهات رسانه‌ای هم بگیرد.

هفت‌نگاه به همت ۶ بانوی گالری‌دار راه‌اندازی شد که هر یک از آنها به‌طور میانگین ۲ دهه است در این کار در زمره بهترین‌ها هستند. آنها کاری کارستان کردند تا ثابت کنند گاه کارهای بزرگ از دامان بانوان توأمند پرورش می‌یابد؛ هفت‌نگاهی‌ها متشکل از مدیران گالری‌های گلستان، والی، هفت‌ثمر، آریا، الهه، مامهر و دی بودند که در دوره اخیر گالری دی به دلیل برخی مشکلات شخصی حضور نداشت.

ویژگی‌های هفت‌نگاه هفتم

هفتمین دوره هفت‌نگاه در حالی هفتم آذر به پایان راه خود می‌رسد که از جهت‌هایی مختلف متفاوت‌تر از همیشه بوده است؛ بدون شک مهم‌ترین وجه تمایز آن حضور ۳۵۰ هنرمند با ۴۰۰ نقاشی و مجسمه است که از یک اعتبار بزرگ حکایت می‌کند. نکته دیگر این است که برای جلب خرید از سوی مردم عادی در این شرایط خاص اقتصادی ارایه آثار با قیمت‌های پایین هرچند الزامی است اما کیست که نداند در این اوضاع قیمت اثر هنری هم رشد یافته و ایجاد تعادل در این میانه بسیار دشوار است؛ اما هفت‌نگاه توانسته با پیشنهاد پایین‌ترین نرخ‌های ممکن، مسیر آن را ادامه دهد که آمالین که آثاری با قیمت‌های ۵۰ هزار تومانی و ۲۰۰ و ۳۰۰ هزار تومانی در این نمایش و فروش حضوری پررنگ دارند البته سقف این دوره با قیمت ۲۸۰ میلیون تومان به یک نقاشیخط از رسید محمد احمایی تعلق گرفته است. جالب است که در هفته نخست از اثر ۵۰ هزار تومانی نزدیک به ۲۰ اثر به فروش رسیده که همه آنها را مردمی تشکیل دادند که برای اولین بار یک اثر هنری خریدند.

هفت‌نگاه با هدف همگرایی بیشتر گالری‌ها، به مناسبت هفتمین دوره نمایشگاه‌شان، در این دوره از هفت گالری میهمان دعوت کرده‌اند تا در برپایی این رویداد، همراهی‌شان کنند که باعث جامعیت هر چه بیشتر آثار و نیز بالا رفتن قدرت انتخاب مردم شده‌است. این گالری‌های میهمان عبارتند از: آران، اعتماد، حنا، زیرزمین دستان، سین، سیحون و طراحان آزاد.

لیلی گلستان، سخنگوی هفت‌نگاه که به تازگی نشان شوالیه را از سفارت فرانسه کسب کرده است ارایه آثار با کیفیت بالا و قیمتی پایین‌تر از قیمت بازار هنر را راهکار مستمر این گروه برای توسعه فرآیند خریدار سازی خواند و ابراز امیدواری کرد که شعار «هر خانه ایرانی، یک اثر هنری» تحقق یابد و خرید آثار هنری اصل در سبد خانوار ایرانی به یک فرهنگ و عادت تبدیل شود.

او اعلام کرد: برای آن که هر کس از هر طبقه اجتماعی و هر بودجه‌ای بتواند از موهبت حضور اثر هنری در محیط کار و خانه خود بهره‌مند شود، در این نمایشگاه آثاری هم با قیمت‌های مناسب روی دیوار است. او در عین حال تأکید دارد برگ برنده هفت‌نگاه هفتم حضور بسیار چشمگیر هنرمندان جوان است که با آثاری نوگرا و تکنیک بالای نقاشانه به یقین نظر خریداران آثار هنری را مثل هر سال به خود جلب می‌کند.

از نخبگان تا جوانان

آثار معتبرترین نام‌های تجسمی ایران در این دوره همراه هفت‌نگاه هستند. برخی از این اسم‌های بزرگ عبارتند از: سهراب سپهری، محمد احمایی، آیدین آغداشلو، پرویز تناولی، علی شیرازی، غلامحسین نامی، ایران درودی، نصرالله افجه‌ای، فریده لاشایی، فرح اصولی، هانیبال الخاص، احمد اسفندیاری، رضا درخشانی، علی اکبر صادقی، بروانه اعتمادی، جلال شیاهنگی، محمود جوادی‌پور، حسین محجوبی، صداقت فروتن، محمد ابراهیم جعفری، تاها بهبهانی، رعنا فرنود، شیرین اتحادیه، شهره مهران، ایرج شافعی و...

> **نقاشیخط در چندسال اخیر پای ثابت و جزو آثار پرفروش نمایشگاه‌ها است. شاید به این دلیل که هویت ما ایرانی‌ها به وسیله خوشنویسی بیشتر دیده می‌شود. از طرفی خط را همه می‌شناسیم و زبان ما است**

از میان جوانان هم بسیارند از بهنوش فروتن، هومن فولاد قلم و علیرضا سعادتمند گرفته تا مریم درویش و... که پالت رنگی هفت‌نگاه را جذاب‌تر کرده است؛ از نکات جالب این دوره این است که از هنرمند جوانی به نام سپیده نژادستاری که آثار ۵۰ هزار تومانی عرضه کرده بود در ۷ روز نخست ۱۶ نقاشی به فروش رسیده بود که عمده خریدارانش برای اولین بار یک اثر هنری می‌خریدند و این خود ثابت می‌کند اگر قیمت آثار هنری برای اقشار متوسط مناسب باشد آنها هم در زمره خریداران قرار می‌گیرند؛ البته در همین هفته نقاشی انتزاعی سهراب سپهری ۱۵۰ میلیون و نقاشیخط علی شیرازی ۶۰ میلیون تومان به فروش رسیده است که گویای طیف وسیع خریداران هفت‌نگاهی‌هاست.

هنرمندان از هفت‌نگاه می‌گویند

بهنوش فروتن، نقاش جوان که برای سومین بار پیاپی پرفروش‌ترین هنرمند را از آن خود کرده بود هفت‌نگاه هفتم را تعامل جالب توجه گالری‌ها خواند و این گونه همکاری‌ها را در جامعه تجسمی لازم دانست؛ فروتن که با نقاشی انتزاعی از مجموعه آرامش در فروش سال هنرهای تجسمی حضور دارد درباره آرامش گفت: «در این اثر توانایی‌های رنگ آبی الهام‌بخش و تأمل برانگیزند، نوعی آرامش منبعث از تمرکز با دیدار این مجموعه به مخاطب انتقال می‌یابد من معمولا این گونه آثارم را با توجه به ابعادشان از ۱۲ تا ۱۵ میلیون تومان به فروش می‌گذارم اما با توجه به اهداف بزرگ هفت‌نگاه قبول کردم تخفیف بدهم تا اثر توسط خریداران نوظهور خریداری شود و فرهنگ خرید اثر در جامعه‌مان نهادینه شود.»

علی شیرازی که تابلوی نقاشیخط او در همان افتتاحیه نمایشگاه با قیمت ۶۰ میلیون تومان به فروش رفت، درباره بازار خوب نقاشیخط در ایران و منطقه خاورمیانه گفت: «نقاشیخط در چندسال اخیر پای ثابت و جزو آثار پرفروش نمایشگاه‌ها است. شاید به این دلیل که هویت ما ایرانی‌ها به وسیله خوشنویسی بیشتر دیده می‌شود. از طرفی خط را همه می‌شناسیم و زبان ما است. وقتی خوشنویس خطی مانند نستعلیق یا ثلث را می‌نویسد همه مردم و تاریخ در تکامل آن سهیم بودند. خط یک پدیده اجتماعی است که به مرور به وجود آمده و یک عنصر مشترک میان همه ایرانیان است که در کشورهای اسلامی و اروپا شناخته شده است. تابلوی

من در این نمایشگاه جزو جدیدترین کارهایم است که با استفاده از سیاه‌مشق‌های سنتی با رویکردی مدرن‌تر و در عین حفظ اصالت‌ها به وجود آمده است.

او نظر خود را در مورد «هفت‌نگاه» این گونه بیان کرد: خوشبختانه هفت‌نگاه به یک اتفاق مهم هنری تبدیل شده و برای هنرمندان، گالری‌دارها و خریداران آثار هنری به خوبی جاافتاده است و به نظر من این موضوع اتفاق بسیار مهمی در زمینه هنرهای تجسمی است.»

هفت‌نگاه گاه فرصت آشنایی با هنرمندان شاخص و صاحب سبکی است که سالیان دراز است جلای وطن کرده‌اند؛ ابوالقاسم شمسی مقیم آلمان چندی پیش در گالری خاورمیانه نقاشیخط‌هایش را به تماشا گذاشته بود و اینک نسل تازه‌ای از هنرمندان در هفت‌نگاه هفتم رونمایی شده است؛ قیمت ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برای نقاشیخط متفاوت این هنرمند حدودا ۶۰ ساله فرصت خوب خرید است.

تاها بهبهانی، مجسمه‌ساز پیشکسوت که به آفریننده پرندگان آهنی معروف است با دو مجسمه در هفت‌نگاه شرکت دارد که یکی از آنها در روز اول نمایشگاه فروخته شد؛ او گفت: «من در بیشتر دوره‌های هفت‌نگاه حضور داشتم و این نمایشگاه همیشه برای من حادثه خوبی است، چون اتحاد این هفت گالری برایم خیلی مهم است و فکر می‌کنم تأثیر مهمی در روند تکاملی هنرهای تجسمی دارد این جا بازار هنر است و می‌تواند سلیقه‌های مختلف را پوشش دهد، بعضی به دلیل علاقه به هنر پیشکسوتان به دنبال آثار آنها می‌آیند و عده‌ای به دنبال کار جوانان هستند. هفت‌نگاه موفق شده است تلفیقی از کارهای جوانان و پیشکسوتان به کسانی که اقتصاد هنر را دنبال می‌کنند، ارایه دهد.» بهبهانی ادامه داد: «کارهایم را در این نمایشگاه با قیمت کمتری نسبت به معمول ارایه کردم چون مایلم این گونه بازار را همیشه برپا باشند. برای من خیلی جالب است که یک فرد عادی نه‌مهمول آن این منظر مشاهده می‌کنیم و انگار پرتره در این لحظه پرده را پس‌زده و احساسات خودش را نمایان کرده است. در عوض، وقتی با فیگور ایستاده و ملبس مواجه می‌شویم، مسائل دیگری توجه‌مان را جلب می‌کند؛ مانند: لباس، فضا، هیکل، رفتار، جامعه و... در این مجموعه خیلی صرفا از یک دید فردی بررسی نمی‌شود، بلکه در یک متن اجتماعی، مکانی و زمانی واکاوی می‌شود. این مجموعه در گیر کارکترهایی است که افراد از خود ارایه می‌دهند.

۳- و از نام تأمل برانگیز «پرتوگونیست» بگویید؟

این نمایشگاه بیانگر روایت و قهرمان یک روایت است. در تمام این سال‌ها همواره به روایت علاقه‌مند بوده‌ام، هر آدمی یک روایت شخصی دارد و این موضوع را برای کشف نقاشانه یا تصویرسازی جذاب می‌دانم. سال‌هاست در گیر این موضوع هستم و در کارهایم تأثیر می‌گذارد. وقتی یک پرتره می‌کشید دنبال هویت، روحیات و داستان زندگی‌اش هستید.

لیلا نوربابی نقاش و انیماتور جوان که نقاشی کوچکی با قیمت ۳۰۰ هزار تومان را به نمایشگاه ارایه داده، گفت: «درباره رنمایشگاه هفت‌نگاه یکی از مجموعه‌ای است که با تکنیک کلاژ و راپید در ابعاد ۲۰ در ۳۰ سانتی‌متر خلق کردم. در این تابلو فیگور یک زن در کنار بخش‌هایی از بدن گورخر قرار گرفته است. انتخاب گورخر به این دلیل بود که در طبیعت پوست بدنش خطای دید ایجاد می‌کند و حالت گرافیکی آن نماد پنهان کاری است. این حیوان را در کنار بدن زنانی قرار دادم که برای عکاسی مد استفاده می‌شوند. البته دیدگاه انتقادی به این موضوع ندارم بلکه می‌خواهم آن پنهان کاری و جذابیت‌هایی که به شکل مصنوعی ایجادمی کنند را نشان دهم.

او ادامه داد: تاثیر بعضی انتقادات را باید در بعد زمان دید، ولی تجربه ثابت کرده است که همیشه کارهای گروهی تأثیر زیادی برای هنرمندانی که در کنار هم هستند و برای کسانی که آثار را می‌بینند، دارد. هنرمندها امیدوارند با فروش تعداد بیشتر کارها و نه قیمت بالای یک کار، شرایط اقتصادی بهتری برای آنها فراهم شود. اگر این فرهنگ به وجود بیاید که آثار هنری با قیمت‌های مختلف توسط طبقات مختلف خریداری شود، هنرمندها هم از آن بیشتر استقبال می‌کنند تا این که یک کار با قیمت بالا بفروشند.

رضا بانگیز، نقاش پیشکسوت هم یکی از چاپ‌های معروفش را به هفت‌نگاه آورده است. او در مورد کار خود گفت: تابلوی من «ماهی فروش کلاچای» نام دارد و مردی را نشان می‌دهد که یک چوب مخصوص را بر دوش گذاشته و دو طرف آن سبدهای ماهی آویزان است. این تابلو که ۱۵ میلیون تومان قیمت دارد، با تکنیک چاپ و نقاشی اجرا شده و رنگ آن سیاه و سفید است. به دلیل سال‌ها فعالیت در زمینه چاپ، با رنگ سیاه عجین شدم و از قرار گرفتن آن روی زمینه سفید خوشم می‌آید. در کارهایم معمولا موضوعات اجتماعی را استفاده می‌کنم و آنچه در جامعه می‌گذرد را روی بوم می‌آورم.

بانگیز افزود: ۷ گالری که با هم یکی شده‌اند واقعا زحمت می‌کشند و علاوه بر این که کار گروهی انجام می‌دهند فرهنگ‌سازی هم می‌کنند. نمایشگاه گروهی باعث می‌شود بیننده نمایشگاه زیادتر شود و در نتیجه علاقه به هنر بیشتر می‌شود. فروش کار به یک مخاطب عادی لذت زیادی دارد. برای من پیش آمده کسی در نمایشگاه کارم را دیده و انتخاب کرده و وقتی از او درمورد خریدش سوال کردم، گفته است از آمریکا آمده تا چند اثر از هنرمندان ایرانی را بخرد و در خانه خود قرار دهد. این که یک نفر اثر هنرمند را برای خانه خود ببرد حس خیلی خوبی دارد.

گفت‌وگو

گفت‌وگویی با «سلمان خوشرو» به بهانه نمایشگاه نقاشی «پرتگونیست» در گالری «طراحان آزاد»

توهمی از حضور

آرزو جعفریان

این روزها، «سلمان خوشرو» دومین نمایشگاه نقاشی انفرادی‌اش را با عنوان «پروتگونیست» در گالری «طراحان آزاد» به نمایش گذاشته، او در این نمایشگاه ۱۲ تصویر از ۶ پسر و ۶ دختر را در اندازه واقعی‌شان در معرض دید عموم قرار داده است. وی ۱۲ تصویر از دوستان، آشنایان و حتی کسانی که به نوعی با او در ارتباط بودند را در اندازه واقعی به روی بوم‌هایش آورده است. فیگورها در یک نمایی یخ‌زده با پس‌زمینه‌هایی تیره در حال انجام اکتی خشک شده‌اند. اکنون دومین نمایشگاه نقاشی انفرادی‌اش در گالری «طراحان آزاد» برپاست.

۱- در این نمایشگاه آثارتان رنگ و بوی رئال گرفته و از کاردک و هجمه رنگ خبری نیست؟

بله، آثارم در این دو نمایشگاه دارای تفاوت‌هایی هستند. این آثار با تکنیک پرداخت و لایه‌سازی شکل گرفته است. در این زمینه بیشتر به دنبال این بودم که قابلیت لایه‌های رنگ را کشف کنم. با توجه به این که کار سخت و زمان‌بری است، بیشتر دنبال این بودم که با رنگ بیشتر آشنا شوم و برای آینده از این سبک در کارهایم استفاده کنم. کار زیاد می‌کشم و دایما سبک را تغییر می‌دهم. به نظرم هر روش و سبک جذابیت خودش را منتقل می‌کند و هم نقاش و هم مخاطب با موضوعات متنوع‌تری مواجه می‌شود. البته قصد ندارم این سبک را ادامه دهم زیرا هنرمند را محدود می‌کند. با این تکنیک هنرمند نمی‌تواند خلاقیت‌هایش را با رنگ و تاش پیاده کند اما از این سبک خیلی چیزها یاد گرفتم که در آثار بعدی می‌توانم از آن استفاده کنم.

۲- در پروسه شناخت و هویت‌یابی کدام پنجره دیداری را بهتر می‌دانید؛ نمایشگاه اکسترپم کلوزآپ سال پیش یا نمای مدیوم شات این نمایشگاه را؟

از لحاظ معنوی و انسانی میان دو نمایشگاه تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. وقتی کادر را بزرگ و روی چهره زوم می‌کنیم، با لطبع تأثیر بسیار متفاوتی دارد تا این که فیگور ایستاده را در بعد واقعی بررسی کنیم. وقتی چهره بزرگی پیش رویمان باشد، در گیر پوست، میمیک و نگاه می‌شویم. این باعث می‌شود تا یک فضای خصوصی تر با پرتره داشته باشیم و فکرمان به سمت درون این فرد معطوف شود. مسائل روانی و هویتی را از این منظر مشاهده می‌کنیم و انگار پرتره در این لحظه پرده را پس‌زده و احساسات خودش را نمایان کرده است. در عوض، وقتی با فیگور ایستاده و ملبس مواجه می‌شویم، مسائل دیگری توجه‌مان را جلب می‌کند؛ مانند: لباس، فضا، هیکل، رفتار، جامعه و... در این مجموعه خیلی صرفا از یک دید فردی بررسی نمی‌شود، بلکه در یک متن اجتماعی، مکانی و زمانی واکاوی می‌شود. این مجموعه در گیر کارکترهایی است که افراد از خود ارایه می‌دهند.

۳- راستی در نمایشگاه اول هم شما آدم‌های حقیقی را نقاشی کرده بودید، آیا هر کس نقاشی خودش را خریده بود؟

تجربه به من نشان داده که افراد عموما با پرتره خود راحت نیستند. یکی ممکن است که جلوی پرتره خودش به وجد بیاید، ولی یکی دیگر حتی از پرتره‌اش عصبانی شود. کشیدن پرتره و فیگور یکی از دشوارترین عرصه‌های نقاشی است. ولی متاسفانه در فروش جایگاه بالایی ندارد. البته خیلی وقت‌ها هم پرتره سفارشی است. ولی من عموما این کار را نمی‌کنم. در نمایشگاه قبل هیچ‌یک از مدل‌ها کار خود را نخرید و بیشتر تابلوها را کسانی خریدند که مدل‌ها را نمی‌شناختند. این درست نیست که فکر کنیم پرتره فقط برای خود مدل یا عزیزانش اهمیت دارد، بلکه پرتره به موضوعاتی کلی‌تر از قبیل انسان، جامعه و روح هم اشاره دارد. این که این افراد حقیقی هستند، باعث می‌شود تا در متن زمان و مکان خود بایستند و حتی خاصیت مردم‌شناسی پیدا کنند.

۸- در نمایشگاه بعدی‌ات اراده نگاهت به انسان باز تر خواهد شد؟ یا باید منتظر چیز متفاوت‌تری باشیم؟

روش نقاشی من کلاژ تجربی و آزمایشی است و یک جا بند نمی‌شوم. هر چند سبک و ارایه دایما در حال تغییر است ولی بعضی از روحیات و اهداف مستمر مانده است. در پرهای خودم را می‌بینم که بیشتر به دنبال کسب سواد و شناخت هستم. دوست دارم نقاشی باشم که صادقانه دنیای اطرافش را بیان می‌کند و پنجره‌ای می‌شود به جامعه و دنیای پیرامونش. حال ممکن است این دنیا مورد پسند خیلی‌ها نباشد ولی شاید دیدنش بهانه‌ای باشد برای درک متقابل و ارضای کنجکاوی. پروژه‌های متنوعی را برای سال‌های آینده در نظر دارم. از پرتره گرفته تا طبیعت بی‌جان و منظره. امیدوارم مخاطبان با من صبوری کنند و انتظار پیوستگی نداشته باشند تا این مسیر اکتشافی را باهم سپری کنیم.